

متن کامل

قصه‌های بهرنگ

صمد بهرنگی

سرشناسه: بهرنگی، صمد، ۱۳۱۸ - ۱۳۴۷.

Behrangi, Samad

عنوان و نام پدیدآور: قصه‌های بهرنگ / صمد بهرنگی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات پر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۴۲۰ص:، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-622-6041-34-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: بالای عنوان: متن کامل.

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی — قرن ۱۴

موضوع: 20th century—Short stories, Persian

رده بندی کنگره: /1121397 7975PIR

رده بندی دیویی: [ج] ۶۲/۳۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۰۲۷۴۰



قصه‌های بهرنگ



• نویسنده: صمد بهرنگی

• حروفچینی و صفحه‌آرایی: منیر علیزاده

• نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

• تیراژ: ۱۱۰ نسخه

• قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۳۴-۸ ISBN: 978-622-6041-34-8

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳

تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

www.ParNashr.ir

✧ فهرست مطالب ✧

ادبیات کودکان	۵
اولدوز و کلاغ‌ها	۹
اولدوز و عروسک سخنگو	۶۷
چند کمله از «عروسک سخن‌گو»	۶۷
کچل کفترباز	۱۱۵
پسرک لبوفروش	۱۳۵
سرگذشت دانه‌ی برف	۱۴۳
پیرزن و جوجه‌ی طلایی‌اش	۱۴۷
دو گربه روی دیوار	۱۵۳
سرگذشت دومرول دیوانه‌سر	۱۶۱
افسانه‌ی محبت	۱۷۵
یک هلو و هزار هلو	۱۹۷
۲۴ ساعت در خواب و بیداری	۲۲۳
کوراوغلو و کچل حمزه	۲۴۹
تلخون	۳۰۳

۳۲۵	بی‌نام
۳۳۵	عادت
۳۴۱	پوسته نارنج
۳۵۱	قصه‌ی آه
۳۶۱	آدی و بودی
۳۶۹	به دنبال فلک
۳۷۳	بز ریش سفید
۳۷۹	گرگ و گوسفند
۳۸۱	ماهی سیاه کوچولو
۴۰۵	موش کوچولو
۴۰۷	منجوق و مادرش
۴۰۹	بز دایی علی
۴۱۱	بچه خرگوش عادل
۴۱۳	فانوس دریایی و دو رفیقش
۴۱۷	پایهن خانم
۴۱۹	موش گرسنه

❁ ادبیات کودکان ❁

دیگر وقت آن گذشته است که ادبیات کودکان را محدود کنیم به تبلیغ و تلقین نصایح خشک و بی‌بربرگرد، نطافت دست‌وپا و بدن، اطاعت از پدر و مادر، حرف‌شنوی از بزرگان، سروصدا نکردن در حضور مهمان، سحرخیز باش تا کامروا باشی، بخند تا دنیا به رویت بخندد، دستگیری از بینوایان به سبک و سیاق بنگاه‌های خیریه و مسایلی از این قبیل که نتیجه‌ی کلی و نهایی همه‌ی این‌ها بی‌خبر ماندن کودکان از مسایل بزرگ و حاد و حیاتی محیط زندگی است. چرا باید درحالی‌که برادر بزرگ دلش برای یک‌نفس آزاد و یک‌دم هوای تمیز لک‌زده، کودک را در پیله‌ای از «خوشبختی و شادی و امید» بی‌اساس خفه کنیم؟ بچه را باید از عوامل امیدوارکننده‌ی الکی و سست‌بنیاد ناامید کرد و بعد امید دگرگونه‌ای بر پایه‌ی شناخت واقعیت‌های اجتماعی و مبارزه با آن‌ها را جای آن امید اولی گذاشت.

آیا کودک غیر از یادگرفتن نطافت و اطاعت از بزرگان و حرف‌شنوی از آموزگار (کدام آموزگار؟) و ادب (کدام ادب؟ ادبی که زورمندان و طبقه‌ی غالب و مرفه حامی و مبلغ آن است؟) چیز دیگری لازم ندارد؟

آیا نباید به کودک بگوییم که در مملکت تو هستند بچه‌هایی که

رنگ گوشت و حتی پنیر را ماه به ماه و سال به سال نمی‌بینند؟ چرا که عده‌ی قلیلی دلشان می‌خواهد همیشه «غاز سرخ شده - در - شراب» سر سفرشان باشد.

آیا نباید به کودک بگوییم که بیشتر از نصف مردم جهان گرسنه‌اند و چرا گرسنه شده‌اند و راه برانداختن گرسنگی چیست؟ آیا نباید درک علمی و درستی از تاریخ و تحول و تکامل اجتماعات انسانی به کودک بدهیم؟ چرا باید بچه‌های شسته و رفته و بی‌لک و پیس و بی‌سروصدا و مطیع تربیت کنیم؟ مگر قصد داریم بچه‌ها را پشت و پشیمان‌ترین مغازه‌های لوکس خرازی‌فروشی‌های بالای شهر بگذاریم که چنین عروسک‌های شیکی از آن‌ها درست می‌کنیم؟

چرا می‌گوییم دروغ‌گویی بد است؟ چرا می‌گوییم دزدی بد است؟ چرا می‌گوییم اطاعت از پدر و مادر پسندیده است؟ چرا نمی‌آییم ریشه‌های پیدایش و رواج و رشد دروغ‌گویی و دزدی را برای بچه‌ها روشن کنیم؟

کودکان را می‌آموزیم که راستگو باشند درحالی که زمان، زمانی است که چشم راست به چشم چپ دروغ می‌گوید و برادر از برادر در شک است و اگر راست آنچه را در دل دارد بر زبان بیاورد، چه بسا که از بعضی از دردمسرها رهایی نخواهد داشت.

آیا اطاعت از آموزگار و پدر و مادری ناباب و نفس‌پرست که هدفشان فقط راحت زیستن و هرچه بیشتر بی‌دردسر روزگار گذراندن و هرچه بیشتر پول درآوردن است، کار پسندیده‌ای است؟ چرا دستگیری از بینوایان را تبلیغ می‌کنیم و هرگز نمی‌گوییم که چگونه آن یکی «بینوا» شد و این یکی «توانگر» که سینه جلو دهد و سهم بسیار ناچیزی از ثروت خود را به آن بابای بینوا بدهد و منت سرش بگذارد که آری من مردی خیر و نیکوکارم و همیشه از

آدم‌های بیچاره و بدبختی مثل تو دستگیری می‌کنم، البته این هم محض رضای خداست والا تو خودت آدم نیستی.

اکنون زمان آن است که در ادبیات کودکان به دو نکته توجه کنیم و اصولاً این دو را اساس کار قرار دهیم.

نکته‌ی اول، ادبیات کودکان باید پلی باشد بین دنیای رنگین بی‌خبری و در رؤیا و خیال‌های شیرین کودکی و دنیای تاریک و آگاه غرقه در واقعیت‌های تلخ و دردآور و سرسخت محیط اجتماعی بزرگ‌ترها. کودک باید از این پل بگذرد و آگاهانه و مسلح و چراغ به دست به دنیای تاریک بزرگ‌ترها برسد. در این صورت است که بچه می‌تواند کمک و یار واقعی پدرش در زندگی باشد و عامل تغییردهنده‌ی مثبتی در اجتماع راكد و هر دم فرورونده.

بچه باید بداند که پدرش با چه مکافاتی لقمه نانی به دست می‌آورد و برادر بزرگش چه مظلوم‌وار دست‌وپا می‌زند و خفه می‌شود. آن‌یکی بچه هم باید بداند که پدرش از چه راه‌هایی به دوام این روز تاریک و این زمستان ساخته‌ی دست آدم‌ها کمک می‌کند. بچه‌ها را باید از عوامل امیدکننده‌ی سست‌بنیاد ناامید کرد.

بچه‌ها باید بدانند که پدرانشان نیز در منجلاب اجتماع غریق دست‌وپازنده‌ای بیش نیستند و چنان‌که همه‌ی بچه‌ها به‌غلط می‌پندارند، پدرانشان راستی راستی هم از عهده‌ی همه‌کاری بر نمی‌آیند و زورشان نهایت به زنانشان می‌رسد.

خلاصه‌ی کلام و نکته دوم، باید جهان‌بینی دقیقی به بچه داد، معیاری به او داد که بتواند مسایل گوناگون اخلاقی و اجتماعی را در شرایط و موقعیت‌های دگرگون‌شونده‌ی دایمی و گوناگون اجتماعی ارزیابی کند.

می‌دانیم که مسایل اخلاقی از چیزهایی نیستند که ثبات دایمی داشته باشند. آنچه یک سال پیش خوب بود ممکن است دو سال

بعد بد تلقی شود. کاری که در میان یک قوم یا طبقه‌ی اجتماعی اخلاقی است ممکن است در میان قوم و طبقه‌ی دیگری ضداخلاق محسوب شود.

در خانواده‌ای که پدر همه‌ی درآمد خانواده را صرف عیاشی و خوش‌گذرانی و قماربازی می‌کند و هیچ اثر تغییردهنده‌ای در اجتماع ندارد و یا سد راه تحول اجتماعی است، بچه ملزم نیست مطیع و راستگو و بی‌سروصدا باشد و افکار و عقاید پدر را عیناً قبول کند.

... ادبیات کودکان نباید فقط مبلغ «محبت و نوع‌دوستی و قناعت و تواضع» از نوع اخلاق مسیحیت باشد. باید به بچه گفت که به هر آنچه و هر که ضدبشری و غیرانسانی باشد و سد راه تکامل تاریخی جامعه است کینه ورزد و این کینه باید در ادبیات کودکان راه باز کند.

تبلیغ اطاعت و نوع‌دوستی صرف، از جانب کسانی که کفه‌ی سنگین ترازو مال آن‌هاست، البته غیرمنتظره نیست؛ اما برای صاحبان کفه‌ی سبک ترازو هم ارزشی ندارد.^۱

صمد بهرنگی

۱. بخشی از مقاله‌ای درباره‌ی کتاب «آوای نوگلان». اصل مقاله در مجله‌های نگین (اردیبهشت ۴۷) و راهنمای کتاب (خرداد ۴۷) چاپ شده است.